

برگزاری مراسم روز جهانی قدس در ۹۰۰ شهر کشور

صفحه ۲

چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۶ ■ ۲۶ رمضان ۱۴۳۸ ■ ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۱۶ ■ صفحه ۱۰۰۰ تومان



با کاهش اختیارات بن نایف در احکام جدید ملک سلمان، بن سلمان آماده پادشاهی می‌شود

برکناری عنقریب ولیعهد سعودی

صفحه ۱۵

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2189 ■ Wed.Jun.21, 2017 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۸ سال ۱۹۵۰ روز گذشت

تیتروهای امروز

علی اکبر ولایتی با اشاره به مصوبه اخیر سنا علیه ایران:

اروپا نقض برجام را تأیید کرد

صفحه ۲

والدین: سند لو رفتن سؤالات را داریم

گره کور سرنوشت سؤالات امتحان نهایی

صفحه ۴

سازمان ملل به ائتلاف بین‌المللی هشدار داد

بن بست نظامی آمریکا در سوریه

صفحه ۱۵

حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای از رسیدگی به پرونده جرائم انتخاباتی در قوه قضائیه خبر داد

احضار ۶ استاندار

صفحه ۲

پیش از یک‌سوم تروریست‌های تحت نظر وزارت کشور انگلیس اسلام‌ستیزان سفیدپوست هستند

تروریسم سفید میراث دولت می

صفحه ۱۵

یادداشت‌ورده

وزارت نفت شفاف‌سازی کند شنیده‌هایی از فاجعه در مذاکرات ایران با توتال

رضا نجفی*

افزون بر یک‌سال است وزارت نفت در رسانه‌ها از انعقاد قرارداد با شرکت توتال فرانسه برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در قالب الگوی قراردادی جدید موسوم به IPC خبر می‌دهد (در واقع سرمایه‌گذاری و تأمین مالی قرارداد برعهده کنسرسیومی متشکل از شرکت توتال با شرکت س‌ان‌بی‌سی چین و پتروپارس از ایران است). معمولاً موسسات و شرکت‌های معتبر بین‌المللی، فرمت‌های قراردادی خود را استاندارد کرده و در دسترس عموم قرار می‌دهند، مثل فرمت‌های استاندارد قراردادهای حفاری نفت آمریکا (API)، EPC، IADC و... این روال در برنامه‌های وزارت نفت و سازمان برنامه و بودجه هم بوده است و نمونه آن انتشار فرمت قراردادی قراردادهای مشاوره و قراردادهای طراحی و ساخت یا همان EPC معروف است. در واقع انتشار این فرمت‌ها فرصتی عمومی برای ارائه نقطه‌نظر اصلاحی متخصصان فراهم می‌کند که وزارت نفت برای نخستین بار برخلاف رویه از انتشار آن ممانعت می‌کند. تجربه ۲ بار اصلاح مصوبه هیات دولت با قریب به ۱۵۰ مورد اصلاحیه از ۱۵ صفحه این الگوها، بیش از پیش متخصصان را نگران کرده است که در متن افزون بر ۴۰۰ صفحه‌ای قراردادهای نفتی موسوم به IPC و ضمانت آن قرار است چه اتفاقی بیفتد که شرکت نفت سمیناری برای رونمایی از آن برگزار می‌کند ولی متن فرمت قراردادی را منتشر نمی‌کند؟ آیا اگر قرارداد منتشر شود، ممکن است صدها و شاید هزاران مورد خلاف مصلحت و منافع ملی لو برود و خدای ناکرده اصلاح شود! مگر نه این است که در خارج از کشور هزینه‌های سرسام‌آوری برای ممیزی کردن این متون به مجامع مختلف پرداخت می‌شود؟ در این شرایط چرا وزارت نفت خود را از اصلاحیه رایگان توسط صاحب‌نظران و متخصصان نفتی محروم می‌کند؟ فارغ از آن، چگونه انتظار داریم سرمایه‌گذاران به موضوع سرمایه‌گذاری ورود کنند، حال آنکه با عدم انتشار این فرمت، عملاً عموم متخصصان، پیمانکاران و سرمایه‌گذاران از مطالعه دقیق آن در فرصت‌های موعود و فرصت شناخت ریسک‌ها و فرصت‌های این نوع قرارداد محروم شده‌اند.

ادامه در صفحه ۵

رهبان انقلاب در دیدار نخست‌وزیر عراق:

به آمریکایی‌ها اعتماد نکنید

آمریکایی‌ها به دنبال ریشه‌کنی داعش نیستند



کدام - Khamenei.ir

مصطفی، آیت‌الله کاشانی به عنوان رهبر سیاسی، اجتماعی و مذهبی مردم موضع خود را نسبت به آمریکا و انگلیس صراحتاً بیان می‌کنند و حتی در دیدار فرستاده رئیس‌جمهور آمریکا برای مذاکرات نفت نیز خیلی روشن موضع خود را می‌گویند: «تا دو سال پیش روی هم رفته مردم ایران به ملت آمریکا خوشبین بودند اما دیگر این خوشبینی از میان رفته است، زیرا مردم این کشور ابتدا خوش‌شان نمی‌آید کشورهای دیگر خواه دور و خواه نزدیک در امور داخلی او مداخله کنند... ما از شما هیچ چیز نمی‌خواهیم و هیچ کمکی توقع نداریم جز اینکه در کار ما مداخله نکنید و بخصوص با انگلیسی‌ها که به کشور ما فشار وارد می‌کنند همکاری و مساعدت نکنید»^(۱)

همچنین فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب‌صفوی، درباره اعتماد نکردن و بدبین بودن به نیروهای خارجی بویژه آمریکا هشدارهای جدی می‌دهند و در مقاله‌ای تحت عنوان «جنبی، اجنبی یا پارسا»، سخنگوی فراکسیون نهضت ملی در مجلس هفدهم اشاره کرد. او در بخشی از نطق بسیار مهم خود که بعد از سفر به آمریکا داشته است به روشنی نظر خود را درباره قدرت‌های جهانی و انتظار کمک از آنها اعلام می‌کند: «هموطنان عزیز! با تمام تظاهراتی که از طرف بعضی از خارجیان به عنوان مساعدت در حل این معضل می‌شود نباید به امید دیگران نشسته و تصور کرد ملل مستعبد جهان در دنیایی که زور و زر جای انصاف و عدالت را گرفته مشفق غمخوار خواهند داشت و یقین داشته باشند که ملل بزرگ جانب یک ملت ضعیف را در برابر یک کشور نیرومند نخواهند گرفت. خود آقایان ملاحظه می‌فرمایند با تمام تظاهرات دوستانه و غمخواری‌هایی که از اطراف و جوانب و از بلوک‌های به اصطلاح غربی و شرقی در این باب شده، کوچک‌ترین مساعدتی به ملت رشید ایران نشده و فقط به تعارفات لفظی اکتفا گردیده است»^(۲)

در مقابل و در نهایت دکتر مصدق، متاسفانه نه تنها به بسیاری از هشدارها توجهی نشان نداد، بلکه با اقدامات خود کاملاً خلاف مصالح ملی عمل کرد و اختلاف‌های داخل نهضت ملی را تشدید کرد. طرفداران دکتر مصدق با دادن نسبت‌های ناروا به آیت‌الله کاشانی عملاً تأثیرگذاری ایشان در جامعه را تحت‌الشعاع قرار دادند.

ادامه در صفحه ۵

مسئله تفاوت در نگاه به آمریکا است!

سیدزهدان حبیبی

شعار «مردم‌دات انگلیس» جمعیتی که مصدق بعد از قطع روابط با انگلیس برای آنها سخنرانی می‌کرد، می‌گوید: «ه آقایان! من حاضر نیستم شما بگویید مرده‌باد انگلیس. بلکه ما و شما و هر دو می‌خواهیم و دعا می‌کنیم که خدای متعال دولت انگلیس را برای شناختن حق مسلم ما هدایت کند. خدای متعال بدبختی‌های ملت ما را در جلوی چشم آنها مجسم کند. هموطنان عزیز من! دولت انگلیس یک وقت در این مملکت سیاست خوبی را تعقیب کرد. آن وقت اول مشروطیت بود. دولت انگلیس وقتی دید عناصر خائن و وطن‌فروشی به دولت تزاری می‌گروند، آمد و از آزادخواهان حمایت کرد و مشروطیت ما با خون شهدای آزادی گرفته شد. این سیاستی بود که دولت انگلیس بسیار خوب بازی کرد. پس از آن دولت انگلیس از این رویه عاقلانه خود صرف‌نظر نمود و حاضر شد با دولت تزاری روسیه قرارداد نفوذ امضا کند»^(۳)

البته ناگفته نماند دکتر مصدق مساله اصلی مناقشه نفتی و خواست ملت ایران را بخوبی درک کرده بود و هیچ‌کدام از پیشنهادهای آمریکا و انگلیس و بانک بین‌المللی را که تنها در ظاهر موافق ملی شدن نفت بودند ولی عملاً «کنترل» نفت را در اختیار قدرت‌ها قرار می‌دادند، نپذیرفت.

دولت دکتر روحانی نیز متأسفانه با در نظر نگرفتن اهمیت راهبردی صنعت هسته‌ای و خواست اصلی آمریکا برای مهار ایران به وسیله مذاکرات و توافق‌های بین‌المللی، تصمیم‌گیری برای صنعت هسته‌ای را در چارچوب برجام محدود کرده است. همچنین دکتر روحانی بدون توجه به انگیزه اصلی قدرت‌ها که تأمین حداکثری منافع اقتصادی خود و بالاتر از آن محدود کردن قدرت سیاسی باقی کشورهاست، تصور می‌کند با محدود کردن توان هسته‌ای کشور، سرمایه‌گذاری خارجی با حجم زیادی صورت می‌گیرد و با شکل‌گیری رقابت اقتصادی بین کشورها، منافع ملی و اقتصادی ایران تأمین می‌شود. تصویری که تاکنون معلوم شده است به کلی دور از واقعیت است.

۲- نحوه تعامل با رهبر سیاسی، اجتماعی و مذهبی مردم در مقابل نگاه خوش‌بینانه نسبت به قدرت‌های جهانی و عدم درک و آشنایی با واقعیت‌های دنیا، در دوران هر دو دولت، افراد و جریان‌های دیگری نیز وجود دارند که همواره نسبت به «دشمنی دشمن» گوشزد می‌کنند. لذا نحوه تعامل و مواجهه دولت‌های دکتر مصدق و دکتر روحانی با این جریان‌ها حائز اهمیت است. در زمان دکتر

فقط به افزایش و اعمال اقتدار خود توجه می‌کنند، دولت‌های دکتر مصدق و دکتر روحانی، تصور دارند فضای بین‌المللی یک رقابت سالم بین کشورهاست و احیاناً ممکن است بعضی قدرت‌ها در این بین نسبت به دیگران خیرخواهی داشته باشند. دکتر مصدق به‌رغم تجربه چندین ساله خود در مناصب مهم از جمله وزارت امور خارجه و همچنین از نزدیک دیدن وقایع مهمی مانند جنگ‌های اول و دوم جهانی، نگاهی توأم با ملاحظت و خوشبینی نسبت به نیروهای خارجی بویژه آمریکا داشته و این نظر خود را مکرراً در نامه‌های پیاپی خود به روسای جمهور آمریکا (ترومن و آیزنهاور) ابراز داشته است. دقت در جملاتی از اولین نامه دکتر مصدق به هری ترومن (رئیس‌جمهوری آمریکا) می‌تواند جالب توجه باشد: «نظر به اینکه بین ملتین ایران و آمریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده رجاه واقف هست که هیچ موقع کوچک‌ترین خلی با این حسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند آمریکایی از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری‌های آن ملت نیک‌نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است، لذا لازم دانستم خاطر آن حضرت را از جریان‌های اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما آمریکا در این موضوع مهم از معاضدت به آمال ملی ایران خودداری نخواهد کرد»^(۴)

دکتر مصدق در حالی آمریکا را «طرفدار جدی آزادی و حاکمیت ملل» می‌خواند و «فداکاری آن ملت نیک‌نهاد در دو جنگ [جهانی] اخیر» را گواه نظر می‌داند، که ۶ سال پیش همین رئیس‌جمهور آمریکا (هری ترومن) دست‌نخور حمله با بمب اتم به ژاپن را صادر می‌کند و آلمان را بین خود و دیگر کشورهای پیروز در جنگ دوم جهانی تقسیم می‌کند. دکتر مصدق با همین نگاه در طول دوران نخست‌وزیری خود چندین بار مطالبات ایران از متفقین به دلیل خسارت‌های جنگ دوم جهانی را از آمریکا مطالبه می‌کند و متن همه نامه‌ها نشانگر مطالبه از موضع ضعف و امید داشتن به تحقق وعده آمریکاست.

درباره انگلیس نیز اگرچه دکتر مصدق مواضع محکمی دارد و با دیدن دخالت‌های انگلیس در کشور، دست به تعطیلی کنسولگری‌های آن کشور و در ادامه قطع روابط سیاسی می‌زند، اما با انگلیس تنها بر سر مساله نفت و شرکت نفت مناقشه داشته است و روحیه استعمارگری انگلیس و فزون‌خواهی آن را گویی نمی‌بیند. به عنوان مثال در واکنش به

روزنه

حرکت ملی مردم ایران برای احقاق حق دست‌یابی به صنعت هسته‌ای و مناقشه و جنجال قدرت‌های جهانی برای جلوگیری از داشتن این حق، یقیناً خبرسازترین و موردتوجه‌ترین پدیده سال‌های اخیر بوده است و از جهت تأثیرگذاری در فضای سیاسی و اجتماعی ایران، می‌تواند با رخدادهای بزرگ تاریخ معاصر مقایسه شود. نهضت ملی شدن صنعت نفت و مباحث پیرامون آن شبیه‌ترین پدیده تاریخی به مناقشه هسته‌ای سال‌های اخیر است. استراتژیک بودن نفت و صنعت نفت، جای خود را به اهمیت و تأثیر صنعت هسته‌ای در مناسبات بین‌المللی و دولت ملی مصدق که برآمد از خواست ملت بود جای خود را به دولت‌های پیاپی جمهوری اسلامی و در سال‌های اخیر به دولت یازدهم به ریاست دکتر حسن روحانی داده‌اند و در نهایت و در سمت مقابل هر دو پدیده، دولت‌های آمریکا و انگلیس هستند که اگرچه روش‌های آنها به اقتضای زمان تغییراتی داشته اما ماهیت آن ثابت بوده و البته تجربه ۶۰ ساله را نیز به همراه خود دارند.

در سال‌های آخر دهه ۲۰ زمانی که ملت ایران برای در اختیار گرفتن «کنترل» صنعت نفت و منابع نفتی قیام می‌کند، انگلیس و آمریکا در پیمانی راهبردی با مجموعه‌ای از تحریم‌های نفتی، کالایی و ارزی، دولت و ملت ایران را محاصره اقتصادی کرده و با استفاده از این اهرم سعی می‌کنند در «مذاکرات نفت» طرف ایرانی را مجاب به کوتاه آمدن از حق خود کنند. به علاوه دولت انگلیس با برگزاری رزمایش در خلیج فارس و تهدید نظامی، همچنین متهم کردن ایران به برهزنی امنیت جهانی در شورای امنیت سازمان ملل، فشار خود را تشدید می‌کند. جالب است که مشابه مجموعه این اقدامات علیه نهضت ملی نفت، در چند سال گذشته از سوی آمریکا و انگلیس تکرار شده است اما این مرتبه به دلیل مخالفت با برنامه هسته‌ای ایران.

هر چند بررسی همه جوانب هر دو پدیده و بویژه بهره‌گیری از تجربه‌های آنها، بسیار مهم و ضروری است، اما آنچه می‌خواهیم در این نوشته به آن بپردازیم، نگاهی به عملکرد دولت دکتر مصدق در نحوه مواجهه با دشمن‌های خارجی و مقایسه آن با عملکرد دولت دکتر روحانی در همین زمینه است.

۱- درک و آشنایی با فضای بین‌المللی

بررسی میزان درک و آشنایی با فضای بین‌المللی در هر دو دولت مصدق و روحانی،

مهم‌ترین مولفه برای ارزیابی عملکرد سیاست خارجی این دولت‌هاست. در نگاهی خوشبینانه هر دو دولت به‌رغم ادعاها و تجربه‌های چندین ساله، آشنایی و درک کافی نسبت به واقعیت‌های دنیا ندارند و در شرایطی که دولت‌های قدرتمند فقط و

نکته

حالا «رای مردم» جایگاه پیدا کرد؟

آقای روحانی! اوصیکم به اقتصاد

حسین قدیانی

در نقد جمله حسن روحانی، روزهای گذشته شاهد واکنش‌های متعددی بودیم که آخرین آن، تذکر آیت‌الله مکارم بود لیکن این همه، در عالم مباحث نظری و مبانی عقیدتی انجام شد تا عناوینی همچون «انتخاب» و «انتصاب» و مفاهیمی همچون «مقبولیت» و «مشروعیت» دگر بار تبیین شود و تدقیق. من اما در مقام یک «روزنامه‌نگار» بر جمله مذکور که گمانم اندازه کافی دیده شده و از تکرار در اینجا بی‌نیاز است، فقط این شرح مختصر را می‌زنم که سخن گفتن در باره رای مردم و جایگاه آن در آرای حضرات معصومین علیهم‌السلام، قطعاً در صلاحیت افرادی نیست که با فتنه‌گران علیه صندوق آرا و لگدپرانان به انتخاباتی با ۴۰ میلیون رای، هرگز مرزبندی برترنگ نداشته‌اند و چه می‌گویم که گاه حتی از در رفاقت با این متمرذین و مطرودین وارد می‌شوند. آری من به عنوان یک «نویسنده روزنامه» نقد متفاوتی بر جمله مد نظر (فارغ از منظور و مقصود ناقل آن) وارد می‌کنم و آن اینکه پروبال دهندگان به متوهمین ضد قانون و متوحشین ضد انتخابات را، اصلاً و اساساً چه به سخن درباره اهمیت رای مردم در منش سیاسی حضرت ابوتراب؟! صد البته آن کس که میان خود با حرامیان ۸۸ که هنوز انتخابات تمام نشده، اعلام پیروزی می‌کنند و آن غائله‌ها را بر می‌کنند، خط فاصله نمی‌کشد و بعضاً چنان دوهپلو سخن می‌گوید که به مذاق جماعت خوش بیاید، واجد حتی اقل شایستگی برای اظهار فضل‌های عالمانه درباره رای مردم نیست و در این باره و در این باره‌ها، همان به سخن نگویید تا عیب و هنرش نهفته باشد، با همه این تفاسیل، حسن روحانی را دعوت می‌کنم به جای ابراز نظر درباره حوزه‌هایی از این دست، اندکی بیشتر به اقتصاد بپردازد! پراستی چیست درس نهج‌البلاغه با حضرات دولتمرد؟! آیا اینکه قبل انتخابات، پیامک وصل مجدد یارانه و واریز دوباره برای مردم بفرستند و بعد که انتخابات تمام شد، تحقق آن را منوط کنند به پیگیری پرونده افراد؟! و آیا اینکه چند سال تمام، هر ماه، یارانه شماری از افراد جامعه را قطع کنند، بی‌آنکه یک بار - بلکه حتی یک بار - ساز و کار این حذف را به مردم توضیح دهند؟!